

## فهرست مطالب

۱۷	پیشگفتار ویرایش نخست
۱۹	پیشگفتار ویرایش دوم
۲۱	فصل اول: تمدن اسلامی و سازمان قضایی آن
۲۱	بخش اول: فرهنگ و تمدن اسلامی
۲۳	فقه و فقهها
۲۴	سابقه تمدن دیرین قضایی در اسلام
۲۸	استقلال قضایی
۳۱	بخش دوم: آیین دادرسی
۳۳	دو مکتب لیبرالیزم و سوسیالیزم
۳۴	آیین دادرسی در اسلام
۳۵	منابع آیین دادرسی در اسلام
۳۸	آیین دادرسی در عصر پیامبر (ص)
۴۱	عصر خلفای راشدین
۴۳	عصر امویان
۴۴	عصر عباسیان
۵۰	شروط و صفات قاضی
۵۰	آداب قضاوت
۵۰	۱. آداب مستحب
۵۱	۲. آداب مکروه

۵۱	.....	۳. آداب واجب
۵۲	.....	۴. آداب حرام
۵۳	.....	قضاوت در ایران
۵۳	.....	۱. قبل از زمان مغول
۵۴	.....	۲. در زمان مغول
۵۵	.....	۳. در زمان تیموریان
۵۵	.....	۴. در زمان صفویه
۵۷	.....	۵. پس از صفویه
۵۸	.....	۶. تشکیل دیوان‌خانه عدلیه
۵۹	.....	۷. پس از مشروطیت
۶۱	.....	۸. پس از انقلاب اسلامی
۶۹	.....	ادله اثبات دعوی
۷۰	.....	۱. ادله مشترک
۷۰	.....	الف) اقرار
۷۰	.....	ب) علم قاضی
۷۰	.....	ج) شهادت
۷۱	.....	د) سوگند
۷۱	.....	ه) سوگند همراه با شهادت
۷۱	.....	۲. ادله خاص دعوی کیفری
۷۱	.....	الف) قسامه
۷۲	.....	ب) لعان
۷۲	.....	برخورد مدعی علیه با دعوی
۷۲	.....	۱. اقرار
۷۲	.....	۲. انکار
۷۳	.....	۳. سکوت
۷۴	.....	دادرسی غیابی

۷۵ ..... فصل دوم: قاعده «بینه»

۷۵ ..... پیشینه تحقیق

۷۶	بخش اول: مدارک و مستندات قاعده
۷۶	۱. روایات
۷۹	۲. اجماع
۸۰	۳. دلیل عقل
۸۱	بخش دوم: تأسیس‌های حقوقی قاعده
۸۱	واژه بینه
۸۲	بینه شخصی یا شهادت
۸۲	واژه شهادت
۸۳	حجیت شهادت در فقه
۸۴	۱. گواهی چهار نفر
۸۵	۲. گواهی سه نفر
۸۵	۳. گواهی دو مرد
۸۷	۴. گواهی یک مرد با سوگند خواهان
۸۸	۵. گواهی زنان
۹۰	۶. نصاب گواهی زنان
۹۱	۷. گواهی یک مرد
۹۶	شرایط شاهد
۹۶	۱. عدالت
۹۷	۲. بلوغ
۹۹	۳. عقل
۹۹	۴. اسلام و ایمان
۹۹	۵. طهارت مولد
۱۰۰	۶. انتفای تهمت
۱۰۰	سوگند گواه
۱۰۲	ارزشیابی مفاد شهادت
۱۰۵	شهادت در قانون مدنی ایران
۱۰۶	بینه کتبی
۱۰۹	۱. دیدگاه فقیهان امامی

۱۱۰.....	۲. نقد و بررسی.....
۱۱۳.....	واژه یمین.....
۱۱۳.....	۱. یمین عقد.....
۱۱۶.....	۲. یمین قضایی.....
۱۱۶.....	الف) سوگندی که منکر یاد می‌کند.....
۱۱۷.....	ادای سوگند، بر عهده مدعی علیه.....
۱۱۸.....	۱. ادای سوگند، توسط مدعی علیه.....
۱۲۰.....	بحث تطبیقی.....
۱۲۱.....	۲. رد سوگند به مدعی.....
۱۲۱.....	۳. نکول مدعی علیه.....
۱۲۴.....	فرض نکول در قانون مدنی ایران.....
۱۲۵.....	۴. سکوت مدعی علیه.....
۱۲۵.....	ب) ادای سوگند توسط غیر منکر.....
۱۲۵.....	۱. سوگند تکمیلی.....
۱۲۶.....	۲. سوگند استظهاری.....
۱۲۸.....	بحث تطبیقی.....
۱۲۸.....	۱. در قانون ایران.....
۱۲۹.....	۲. در قانون مدنی عراق و سوریه.....
۱۳۰.....	۳. در قانون مدنی فرانسه.....
۱۳۰.....	موضوع سوگند.....
۱۳۱.....	۱. انجام عملی توسط خود سوگندخورنده.....
۱۳۱.....	۲. ترک فعل توسط خود سوگندخورنده.....
۱۳۱.....	۳. انجام عملی توسط دیگری.....
۱۳۱.....	۴. ترک فعل دیگری.....
۱۳۲.....	صیغه سوگند.....
۱۳۳.....	تغلیظ سوگند.....
۱۳۴.....	رجوع از سوگند.....
۱۳۴.....	مقدمه.....

## فصل اول

### تمدن اسلامی و سازمان قضایی آن

#### بخش اول: فرهنگ و تمدن اسلامی

تأثیر شگرف فرهنگ و تمدن اسلامی و نفوذ عمیق آن در تمدن بشری و سهم عمده‌ای که در پربار کردن گنجینهٔ معارف انسانی داشته است، بر اهل تحقیق پوشیده نیست. زمانی که غرب در تاریکی جهل و بربریت زندگی می‌کرد؛ چراغ فروزان تمدن اسلامی دل تیرهٔ اروپا را روشنی بخشید. و نه تنها دانش خود را بی‌دریغ در اختیار غریبان ظلمت زده قرار داد، بلکه با ترجمهٔ کتب دانشمندان یونانی به عربی معارف یونانیان را به غرب، که از یونان و دانش و فرهنگ یونانی بی‌خبر بود و آشنایی به زبان یونانی نیز نداشت، انتقال داد و به این ترتیب علاوه بر آنکه کتب رازی‌ها و ابن سیناها و ابن میثم‌ها و جابرها و ابن رشد‌ها و امثال آن را در دیدگاه جهان آن روز جلوه‌گر ساخت؛ آن‌ها را آشنا با تصنیفات جالینوس و افلاطون و ارسطو و اقلیدس و ارشمیدس نمود. دکتر لکلرک<sup>۱</sup> در کتاب تاریخ پزشکی خود بیش از سیصد کتاب مشهور عربی اسم می‌برد که تمام آن‌ها از عربی به لاتین ترجمه شده بود و تا قرن پانزدهم تنها اقوالی در نزد اروپائیان مستند بود که مأخوذ از مصنفین اسلامی باشد.<sup>۲</sup>

1. LeclereK

۲. برای تفصیل بیشتر، نک: شیخ، سعید، مطالعات تطبیقی در فلسفهٔ اسلامی، ترجمهٔ سیدمصطفی محقق داماد، تهران، ۱۳۷۰ش.

راجر بیکن، لئوناردو پیزا، آرنولد دو ویلانو، رایمون لولی، سن توماس، آلبرت کبیر و آلفونس دهم که همه از دانشمندان نامدار هستند یا شاگرد دانشمندان مسلمان بودند و یا راوی نظرات و اقوال آن‌ها و به گفته رنان، نویسنده و مورخ فرانسوی، آلبرت کبیر دانش خود را از بوعلی سینا فرا گرفته بود و فلسفه سن توماس از فلسفه ابن رشد مأخوذ بوده است. دانشگاه‌های اروپا تا ۵۰۰ الی ۶۰۰ سال زیر نفوذ علمی مسلمانان بود و حتی در رشته‌هایی هم که مسلمانان تبحر زیادی نداشتند، باز به نوشته‌های آن‌ها رجوع می‌شد و این نفوذ علمی در بعضی از رشته‌ها مثل طب تا قرن گذشته در فرانسه باقی بود. لوئی یازدهم در سال ۱۷۷۳م دستور داد که در فلسفه، همان تصنیفات ابن رشد و ارسطو در دانشگاه‌ها تدریس شود. در دانشگاه‌های ایتالیا مخصوصاً دانشگاه «پادوا» مسلمین نفوذ بسیاری داشتند و کتب آن‌ها از اعتبار و اهمیت مخصوص برخوردار بود. به گفته لیبری اگر اثر تمدن اسلامی نبود، تجدید حیات علمی اروپا چندین قرن عقب‌تر افتاد.

آنچه گفته شد نشانگر این است که معارف بشری و تمدن امروزی تا چه پایه مرهون اسلام و مدیون تلاش و نبوغ دانشمندان اسلامی است. ولی اعتبار و علو قدر و ارزش اسلام نه بدین سبب است که دانشمندان اسلامی سرمایه‌گذار عمده معارف امروز انسانی و پایه‌گذار پیشرفت دانش و فرهنگ جهانی هستند، بلکه اهمیت و فضیلت اسلام در این است که تمدنی مستقبل و نظامی قائم به خود و فرهنگی بالنده را پی‌ریزی نموده که در هیچ مکتبی نمی‌توان نظیر آن را پیدا کرد.

قانونگذار این شریعت که محیط به عواطف و تمایلات بشری و دانای راز و رمزهای درون ناشناخته انسانی است، این آیین را برای تزکیه نفوس و پرورش انسان‌های والا از طریق وحی بر پیامبر خود نازل کرده است؛ تا آدمی به دور از شهوات و آلودگی‌ها به سوی کمال مطلق حرکت کند و با ایجاد عدالت اجتماعی موانعی را که بر سر راه بشر برای طی مدارج معنوی تکامل وجود دارد از پیش پا بردارد. الهی بودن احکام اسلامی آن را با اخلاق و وجدان آمیخته و موافق حقوق فطری و طبیعی انسان گردانیده است به همین سبب در همه زمان‌ها و مکان‌ها قابل

اجرا است.

پس اعتبار اسلام و جامعیت آن و نیز قابلیت آن برای اجرا در همه جا و همه وقت و در هر زمان و مکان به لحاظ الهی بودن احکام آن است.

### فقه و فقها

تا زمانی که پیغمبر گرامی اسلام حیات داشت و یا اهل بیت آن حضرت و یاران او زنده بودند، دریافت و شناخت حکم الهی با مراجعه مستقیم به پیغمبر (ص) و اهل بیت (ع) امکان پذیر بود، ولی پس از رحلت پیغمبر (ص) و یاران او این امر چندان آسان نبود، چون از یک طرف با توسعه جامعه اسلامی و دگرگونی‌های اجتماعی و اقتصادی روابط بین افراد دچار پیچیدگی‌های نوظهوری می‌شد و از طرفی امکان پذیر نبود که در هر مورد نص خاص وجود داشته باشد و آیات قرآنی یا سنت نبوی ناظر به همه جزئیاتی باشد که بعدها در عالم به وجود خواهد آمد. لذا نیاز به وجود اندیشمندانی پیدا شد که بتوانند با دانش و فراست خود احکام کلی را بر مصادیق و موضوعات تازه انطباق دهند و از این طریق حکم هر قضیه‌ای را بیابند.

بدیهی است برای دریافت و شناخت حکم الهی در هر مورد علاوه بر دانش و آگاهی باید امتیازات دیگری باشد تا موجب قبول عامه مردم گردد، این دانشمندان و آگاهان می‌بایست از صداقت و تقوی و بینش صحیح و ملکه استنباط به حد کمال برخوردار باشند تا بر اساس قرآن و سنت نبوی و قدرت اجتهاد حکم هر موضوع تازه را دریابند و تکلیف موارد پیچیده‌ای را که مولود تغییر و توسعه اجتماعی و اقتصادی بوده است روشن نمایند، لذا از همان قرن اول هجری دانشمندان برجسته‌ای تصدی این مهم را بر عهده گرفتند و در نتیجه تلاش و دقت نظر و کوشش مستمر آن‌ها فقه مترقی و پویای اسلامی به وجود آمد که جوابگوی نیازهای درونی بشر و هماهنگک حقوق فطری او است.

چون تحولات اجتماعی و اقتصادی استمرار دارد و روابط مردم که تابعی از این تحولات است به تبع آن دچار دگرگونی‌های نو به نو خواهد شد، لذا تلاش

دانشمندان مزبور برای تطبیق مسایل و قضایای تازه با احکام و دستورات الهی مستمر بوده و ادامه خواهد داشت و از اینجا می‌توان به اعتبار و ارزش این دسته از دانشمندان که به نام «فقها» نامیده می‌شوند، در آیین اسلام پی‌برد؛ زیرا آن‌ها پس از پیامبر (ص) و یاران او پاسداران احکام الهی و نگهبانان موازین اسلامی هستند.

اینکه گفته‌اند علما ورثه انبیاءند، مراد همین فقهایند و با لحاظ اعتبار و ارزش فقها است که قضاوت پس از پیامبر (ص) و جانشینانش حق آن‌ها شناخته شده است و اگر توجه شود که در اسلام قضاوت از چه اهمیتی برخوردار است، روشن خواهد شد که چرا تصدی قضا، به فقها آن هم به عادل‌ترین و پرهیزکارترین آن‌ها اختصاص داده شده است.

#### سابقه تمدن دیرین قضایی در اسلام

قرآن مراجعه به دستگاه قضای اسلامی و اجتناب از رجوع به دستگاه قضایی غیر اسلامی را از شرایط مسلمانی می‌داند و در سوره نساء، آیه ۶۰ می‌گوید: «الَّذِينَ يَزْعُمُونَ أَنَّهُمْ آمَنُوا بِمَا نُزِّلَ إِلَيْكَ وَمَا أُنزِلَ مِنْ قَبْلِكَ يُرِيدُونَ أَنْ يَتَّخِطُّوا إِلَيْهِ الطَّاغُوتِ وَقَدْ أُمِرُوا أَنْ يَكْفُرُوا بِهِ وَيُرِيدُ الشَّيْطَانُ أَنْ يُضَلِّبَهُمْ ضَلًّا لَا يَعْبُدُ» (آیا ندیدی آن‌ها را که گمان می‌کردند ایمان آورده‌اند به آنچه به تو نازل شده و آنچه که به قبل از تو نازل گردیده، ولی می‌خواهند قضاوت سوی طاغوت برند و حال آنکه به تحقیق امر شده‌اند که کافر شوند به آن و شیطان می‌خواهد گمراه کند ایشان را گمراهی دوری).

از اینجا اهمیت و نقش قاضی و دستگاه قضا در شریعت اسلام روشن می‌شود و باز قرآن قضاتی را که بر مبنای احکام و دستورات الهی حکم صادر نمی‌کنند، گناه فاسق و گناه ظالم و گناه کافر می‌شناسد و قضاوت را کار پیامبران می‌داند، چنان که خطاب به حضرت داود می‌گوید: «يَا دَاوُدُ إِنَّا جَعَلْنَاكَ خَلِيفَةً فِي الْأَرْضِ فَاحْكُم بَيْنَ النَّاسِ بِالْحَقِّ وَكَاتَمِ الْهَوَىٰ»؛ و قضاوت بین خلق را به این اعتبار در شأن داود می‌شناسد که او